

راهکارهای مؤثر در تحقق صلح و مدارا

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

زهرا حاج کاظمی^۱

علیرضا کاوند^۲

چکیده:

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در متون دینی بر آن صحنه گذاشته شده و از طرف حاکم شرع نسبت به آن توصیه فراوان شده است، تاکید به برقراری صلح و مداراست. این موضوع مورد توجه دین و علم بوده است؛ در این باره آیات زیادی در قرآن کریم نازل و روایات پرشماری از امامان معصوم (ع) صادر شده و علما و دانشمندان نیز آثار زیادی در این زمینه خلق نموده اند. امام خمینی (ره) در دوران رهبری خود بر مردم بر این مساله توجه داشتند؛ ایشان معتقد بودند برای رسیدن به این مقوله راهبردهای زیادی نقش دارند؛ هرچند که نقش همه این ابعاد با هم یکسان نیستند؛ بلکه برخی از عوامل به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر یکدیگر تأثیر می گذارند. از این رو سعی داشتند با بهره گیری از سیره امامان معصوم (ع) این اصل مهم را در دوران رهبری خود بر مردم به تحقق برسانند. با این حال تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی حکایت از آن دارد که ایشان از برقراری صلح و مدارا با دشمنان اهداف ذیل را دنبال می کرده است: ۱- الگوپذیری از سیره امامان معصوم (ع). ۲- مصلحت اندیشی. ۳- مبارزه با نفوذ شایعات. ۴- موعظه و نصیحت. ۵- آغاز نکردن جنگ و... توجه داشته اند. اهداف یاد شده حکایت از آن دارد؛ که امام (ره) با توجه به شناخت کامل از جامعه اسلامی و ترفندهای دشمنان اسلام تصمیم گرفتند با برنامه ریزی کامل این موارد را در برقراری صلح و مدارا محقق سازند.

کلید واژگان:

اندیشه، امام خمینی (ره)، راهکار، سیاسی، صلح، مدارا، دشمنان

طرح مسأله:

یکی از موضوعات مطرح مسأله صلح و مدارا از نگاه امام خمینی (ره) است. مدارا یکی از فضیلت های اخلاقی محسوب می شود. هر جا انسان ها از آموزه های اخلاقی فاصله گرفته به تباهی و نابودی کشیده شده است، لذا آموزه های اخلاقی

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم kazemizahra139@yahoo.com ۰۹۱۸۶۲۹۶۵۵۱

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم motarjem60@yahoo.com نویسنده مسوول ۰۹۱۶۶۶۳۲۹۷

نقش اساسی در زندگی انسانها ایفا می کنند. امام(ره) همواره بر این مساله توجه داشتند و مانند معصومان(ع) از این فضیلت اخلاقی در امور سیاسی نیز استفاده می کردند و معتقد بودند همه انبیاء، برای این مبعوث شدند که معنویات و استعدادهای مردم را شکوفا کنند، مردم و ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند. از اول انبیا این دوشغل راداشته اند، شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند، و دیگری از اسارت خودش خارج کنند. این دوشغل، شغل انبیاست. وقتی انسان حضرت موسی، حضرت ابراهیم (علیهما السلام) را ملاحظه می کند، و چیزهایی که از اینها در قرآن کریم آمده است را می بیند متوجه می شود که این دو بزرگوار همین دو سمت راداشتند، یکی دعوت مردم به توحید و دیگری نجات بیچاره گان از تحت ستم. (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ج ۱۳/۱۲). امام بارها همگان را به اسلام خواهی و دفاع از اسلام دعوت می کردند و معتقد بودند که در مقابله با دشمنان تا آن جا که ممکن است باید با صلح و مدارا رفتار کرد. اما به شرط و شروطها. با این حال در این پژوهش، به دنبال پاسخ بدین پرسش ها هستیم: الف) مقصود از صلح چیست؟ ب) مهمترین راهکارهای مؤثر در تحقق صلح و مدارا از نظر ایشان شامل چه مواردی می شود؟ وقتی به سخنان این بزرگوار توجه می نمایم بیش از پیش به اهمیت این مساله پی می بریم که ایشان معتقد بودند باید میان سرزمین های اسلامی همزیستی مسالمت آمیز برقرار باشد. البته در این رابطه متذکر هم می شدند که دشمن به هر لباس و ترفندی ممکن است خود را به شما نشان دهد. از این رو از مسوولان می خواستند که در این زمینه، هشیار باشند. جهتگیری ها و حیل های دشمنان را بشناسند چرا که ممکن است دشمن از هر واژه ای جهت رسیدن به اهداف خود استفاده کند. (موسوی خمینی ۱۳۹۳: ص ۱۳۴).

در اهمیت این موضوع، کتاب ها و مقالاتی نگاشته شده اند که از میان آن ها می توان به کتاب آثار جنگ و صلح در قانون اسلام اثر «مجید خدوری» و «حمیدالله حیدر آبادی» است. نویسنده در کتاب مذکور ابتدا به بررسی جنگ های دریایی و زمینی پرداخته، سپس در بخش دیگر؛ به بررسی سیره پیامبر (ص) و برخی از غزواتی که این دو بزرگوار در آن حضور داشته اند پرداخته است.

از کتاب های دیگر در این باره می توان به کتاب حکمرانی حکیمانه (حکومت امام علی(ع))، حکومت موفق تاریخ اثر مصطفی دلشاد تهرانی که در سال توسط انتشارات دریا در سال ۱۳۹۵ اشاره کرد. نویسنده در بخشی از این کتاب به بررسی صلح گرایی حکیمانه از دیدگاه امام علی(ع) پرداخته، پس از آن به بررسی مباحثی چون ارزش صلح، تلاش بی نظیر امام در تحقق صلح گرایی و... اشاره می کند.

هرچند کتب و مقالاتی در این زمینه، به رشته تحریر درآمده است؛ اما در این پژوهش ما سعی کردیم انگیزه مثبت امام خمینی(ره) در مقابله با انگیزه های منفی دشمنانشان که تنها هدفشان رسیدن به قدرت بود را نشان دهیم و اثبات کنیم که این بزرگوار در زمان حاکمیت خود علارغم مشکلاتی که با آن مواجه بودند اما توانستند با حکمرانی شایسته در حل منازعات جامعه بکوشند.

۱- مفهوم شناسی واژگان:

۱-۱- راهکار:

این کلمه ترکیبی از راه + کاراست، که به مفهوم راه حل، پاسخ، جواب، شیوه نامه و روش حل مسائل می باشد. که از حیث لغت و اصطلاح به یک معناست. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۳۴۱). در اصطلاح؛ نقشه عملیاتی شامل یک رشته اقدامات و تصمیمات آگاهانه جهت حل مساله و یا دست یابی به هدف است. (قدیری ابیانه، ۱۹۲، ص ۳۰).

۱-۲- صلح:

واژه صلح؛ در لغت، به معنی آشتی، ترافی میان متنازعیان و نیز به معنای سازش آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۱: ص ۱۳۳). در اصطلاح به عنوان یکی از عقود شرعیه است که به منظور توافق و تسالم بین دو نفر برامری مانند تملیک عینی یا منفعتی یا اسقاط دینی یا حقی یا غیر آن به رایگان یا در مقابل عوضی انجام می گیرد. (طوسی، بی تا: ص ۱۳۲). خداوند متعال در رابطه با صلح در سوره حجرات آیه ۹ می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا...»؛ (اگر دو طایفه از مومنین باهم نزاع کردند خداوند دستور می دهد که بین این ها صلح و دوستی برقرار کنید). عبارت «أَصْلِحُوا» در این آیه، و همچنین در آیه ۶۱ از سوره انفال که آمده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا...»؛ (اگر دشمن حتی کافر را دیدید میل به سازش دارد تو هم سازش کن). نشان می دهد اسلام هرگز دین خونریزی و آدم کشی نبوده است بلکه انسان ها را به سازش دعوت می کند.

۱-۳- سیاست:

واژه «سیاست» از مصدر «ساسة» جمع «ساسة»، و اسم فاعل از «ساسة»، «یُسوسُ» گرفته شده است. (شرتونی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۴). غالب ادبای عرب، واژه سیاست را به معنای تدبیر چیزی و به مصلحت آن اقدام کردن می دانند. (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵؛ ابن منظور، ۱۳۸۸، ص ۵۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۰۷، زبیدی، ۱۳۰۷، ج ۳/ص ۲۷۸). در اصطلاح به کشور داری و کسب قدرت اجتماعی، حفظ قدرت و علم حکومت بر کشورها می دانند. (نک: عنایت، ۱۳۷۷، ص ۱۹، حشمت زاده، ۱۳۷۷، ص ۵۷، دوورژه، ۱۳۷۸، ص ۲۰). اهل بیت نیز در معنای واژه سیاست به معنای لغوی بیش از اصطلاحی توجه داشته اند. از امام حسن (ع) در این باره نقل شده است: «سیاست، عبارت است از رعایت حقوق خداوند سبحان، حقوق زندگان و حقوق مردگان، اما حقوق خداوند سبحان عبارت است از انجام آن چه امر فرموده و دوری از آن چه نهی شده است؛ اما حقوق زندگان عبارت است؛ از انجام وظایف خویش در قبال برادران دینی، درنگ نکردن در خدمت به هم کیشان و اخلاص نسبت به ولی امر، مادامی که او نسبت به مردم اخلاص دارد و هرگاه از راه راست منحرف شد، در برابر او باید فریاد خود را بلند کنی، اما حقوق مردگان؛ عبارت است از ذکر خوبی های ایشان و خودداری از بیان گناه و لغزش های آنان

زیرا آنان خدایی دارند که اعمالشان رسیدگی می شود. (حسنی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۳). از حضرت علی (ع) در این باره نقل شده است: «ومتی کنتم یا معاویه ساسة الرعية و ولاة امر الأمة»؛ (ای معاویه! از چه زمانی شما سیادت بر رعیت را بر عهده گرفته اید و از کی والیان کارمّت بوده اید!). (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۰، خطبه ۲۵، ص ۳۰). واژه «ساسة» در این روایت، به معنای تدبیر آمده است یعنی؛ در مقابله با مخالفان خود باید تدبیر را مدنظر داشت و از این طریق با دشمنان خود به مبارزه برخاست. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳). منظور از اندیشه سیاسی امام (ره) در این پژوهش همان روش ها و اسلوب های خاص ایشان است.

۱-۵-حاکمیت:

حاکمیت از جمله مباحث در حقوق اساسی^۲ و از مسائل عمده در حقوق بین الملل عمومی^۱ و نیز عنصر تاثیرگذار در تحقق و شناسایی دولت هاست.^۵ حاکمیت در لغت به معنای؛ سلطه برتر و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیت از سوی نیروی دیگر تعریف می شود. (صلیبا و دیگران، ۱۳۶۶: ص ۳۴۴). به قضاوت و داوری به این جهت حکم اطلاق می شود که قاضی از ظلم و إجحاف ممانعت کند، یا به دانایی، حکمت اطلاق می شود، زیرا مانع از جهل و اشتباه در عالم می شود و به نظام سیاسی مسلط حکومت گفته می شود، چون از ناامنی و تشّت و هرج و مرج جلوگیری می کند. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ص ۱۹۱). در فرهنگ فارسی، واژه حاکمیت، مصدر جلی از ریشه حکم و به معنای استیلای یافتن، سلطه برتر داشتن و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیت می باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ج ۱/ ص ۱۳۱۴). بنابراین صلح و مدارا از نگاه امام خمینی (ره) در این نوشتار شیوه رفتار، نوع برخورد و کیفیت ایشان در عرصه های مختلف است.

۲-دشمن شناسی از دیدگاه قرآن کریم:

دشمن شناسی، از مفاهیمی است که در بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم (ع) مورد توجه قرار گرفته است. از این حیث از جمله موارد مهمی که در قرآن آمده شناخت دشمنان انسان، است. قرآن کریم بارها در آیات خود خطرات آنان را بیان نموده است؛ که مهمترین آنان عبارتند از:

۲-۱-شیطان:

شیطان از ماده «شَطَنَ»، به معنای دور شدن و پستی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲/ ص ۳۳۵). در اصطلاح؛ به موجود سرکش و متمرد اطلاق می شود اعم از انسان، جن و یا جنبنندگان دیگر و نیز به معنای روح شریر و دور از حق نیز آمده

۱. رشته ای از علم حقوق است که در آن سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی آن، ساختار حکومت سازمان، وظایف، اختیارات قوای سه گانه، حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، انتخابات و احزاب سیاسی، تبلیغات و نظایر آن بحث و گفت و گو می شود.

(طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۰، ص ۳۰)

۲. حاکم بر روابط افراد در جامعه جهانی است و در مقابل آن قواعد و اصول حاکم بر روابط بین کشورها و سازمان های بین الملل بر عهده حقوق بین الملل عمومی نهاده شده است. بنابراین موضوع حقوق بین الملل عمومی، روابط کشورها و ارگان های بین الملل به منظور مشخص ساختن حقوق و تکالیف آن ها در جامعه بین الملل است. (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۲).

۳. حاکمیت به دولت موجودیت می بخشد و اصولاً از آن تفکیک ناپذیر است (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۴۹).

است. همچنین به هر موجودی موذی مضر طاعی سرکش و منحرف اطلاق می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۲). این دشمن قسم خورده بارها در سخنان خود مدعی شده که با راه های گوناگون توانسته است بر بشر تسلط پیدا کرده و به اهداف خود که همان فریب دادن انسان هاست دست خواهد یافت. با توجه به اهمیت این مساله مهمترین راه های دشمنی شیطان عبارتند از:

۲-۱-۱-۱- هوا پرستی:

یکی از راه های نفوذ شیطان بر انسان «هواپرستی» است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۴۲ از سوره حجر است. آیه شریفه، به صراحت بیان می کند که شیطان از طریق هواپرستی می تواند بر درون شما نفوذ کرده و شما را به اهداف خود سوق دهد؛ به گونه ای که هواپرستی شیطان سبب شد به خاطر آن از مقام قرب الهی رانده شود و سقوط کند آیه بیان می کند اگر شیطان درون با آن شیطان بیرون هماهنگ نشود دیگر شیطان نمی تواند بر شما تسلط یابد. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۸/ص ۶۲۳).

۲-۱-۲- نگاه:

از دیگر راه های نفوذ شیطان نگاه است. در آیات ۳۰ و ۳۱ از سوره نور آمده است: (و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پای های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود؛ (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید). آیه شریفه به صراحت بیان می کند هرگونه زینت ها و زیبایی های زنانه که پنهان است باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می شود. از سوی دیگر؛ زینت پنهان می تواند پوشیدن لباس و زینت های خاص در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر آن زینت آشکار شده و باعث ناقصی حجاب می گردد. (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۱/ص ۳۴).

بنابراین انسان ها همواره باید از نگاه کردن به چیزی که خدا آن را حرام کرده است خودداری کنند. این در حالی است که شیطان انسان ها را به این امر تشویق می کند. از امام صادق (ع) نقل شده است که نگاه تیری از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاهی که موجب حسرت و ندامت باشد. (صدوق، بی تا: ص ۳۰). در نگاه استقلالی یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب و تماشا کردن و برای ارزیابی آن اما نگاه آلی یعنی نگاه کردن که خودش هدف نیست بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است بر این اساس امر الهی به زنان و مردان مؤمن پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی، یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفا تماشا کردن، لذت بصری بودن و چشم چرانی

است (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۱۲۵). از پیامبر اکرم (ص) در این باره آمده است: «مسلمانی که چشم خود را از نگاه کردن به نامحرم می پوشاند خداوند شیرینی عبادت را در دلش ایجاد می کند. (مجلسی، ۱۴۲۲: ج ۳۲، ص ۳۶). بنابراین کنترل نگاه و از بین رفتن چشم چرانی از جمله وظایف مشترک میان زنان و مردان است؛ و هر دو باید در نحوه نگاه کردن خود نهایت دقت را داشته باشند.

۲-۱-۳- حسد:

از دیگر راه های نفوذ شیطان حسد است. حسد عبارت است از آن که؛ انسان آرزوی زوال نعمت از دیگری می نماید. (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰). در داستان حضرت یوسف (ع) زمانی که ایشان در خواب دیدند که ده ستاره به همراه خورشید و ماه بروی سجد می کنند، خوابش را برای پدرش بازگو کرد. پدرش به وی گفت که خوابت را برای هیچ کس و حتی برادرانت بازگو نکن. زمانی که ایشان علت را از پدر پرسید ایشان گفتند: (فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است!). با وجود تاکید سخن حضرت یعقوب (ع) مبنی بر پنهان ماندن موضوع خواب، اما متأسفانه همسر حضرت یعقوب (ع) که گفتگوهای حضرت یوسف و حضرت یعقوب (علیهما السلام) را شنیده بود. خواب حضرت یوسف (ع) را به دیگر همسر یعقوب (ع) و فرزندانش گفت همین عامل موجب حسادت بین فرزندان شد و کار به جایی رسید که برادرانش تصمیم به قتل وی را کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۲/ص ۱۳۲). از پیامبر اکرم (ص) در این باره نقل شده است: (ای گروه مردم همانا ابلیس آدم را به سبب حسادت از بهشت بیرون کرد پس به یکدیگر حسادت نورزید که کارهای خوب شما تباه می شود و گام های شما راه راست می لغزاند. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۲). البته این دشمن قسم خورده می تواند از راهکارهای دیگری چون؛ دودلی و شک نسبت به اعمال خوب و پسندیده، غفلت کردن انسان ها از یاد خداوند سبحان، در دسترس گذاشتن وسایل گناه و نوارهای مبتذل و... انسان ها را به سمت اهداف خود سوق دهد.

۲-۲- مشرکان:

از دیگر دشمنان انسان که قرآن کریم به صراحت بیان نموده است مشرکان هست. راه های دشمنی آنان عبارتند از:

۲-۲-۱- تبلیغ:

یکی از روش های دشمنی مشرکان با مؤمنان تبلیغ است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ از سوره نحل و آیات ۵۲ از سوره فرقان آن طور که آمده است: (مامی دانیم آنها می گویند این آیات را بشری به او تعلیم می دهد، در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است ولی این (قرآن) زبان عربی آشکار است)؛ (کسانی که ایمان به آیات الهی ندارند خداوند آنها را هدایت نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است)؛ (بنا بر این از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی بنما). فحوای این سه آیه شریفه، اشاره دارد که مشرکان از طریق راه های تبلیغاتی سعی داشتند، برای پیامبر اکرم (ص) مشکلاتی را ایجاد کنند تا از این طریق بر اهداف خود دست یابند. خداوند در این آیات، به صراحت به پیامبر این مطلب را متذکر می شود که به حرف ها و تبلیغات بی مورد آنان گوش نده؛ زیرا تو

هرچه خواسته های آنان را اجابت کنی باز بهانه می آورند و سعی می کنند دین خودشان را بر تو تحمیل کنند(رازی، ۱۳۷۱، ج: ۱۲/صص ۱۰۰-۹۸؛ ج: ۱۴، ص ۲۴۱).

۲-۲-۲-دین زدایی:

از دیگر روش های دشمنی، مشرکان دین زدایی است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۳۲ از سوره توبه آن طور که آمده است: (آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند!). آیه به یهودیان و مسیحیانی اشاره دارد که تمام توان خود را انجام می دادند تا در دین مبین اسلام تغییری را ایجاد کنند ولی خداوند سبحان با فرستادن پیامبران به مقابله با اقدامات نادرست آنان می پردازد. طبری، ۱۴۲۲: ج ۳/ص ۱۱۳).

۲-۳-کفار:

از دیگر دشمنانی که قرآن کریم به صراحت در مورد آنان سخن گفته است «کفار» است. مهمترین راه های دشمنی کفار عبارتند از:

۲-۳-۱-گمراهی:

یکی از راه های دشمنی کفار گمراهی مومنان و دادن وعده های دروغین به آنان است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۳۰ از سوره ابراهیم(ع) آن طور که آمده است: آنها برای خدا همتیانی قرار داده اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند بگو: (چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن) بهره گیرید اما عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است). آیه اشاره دارد بر این که کافران برای جدا کردن از دین حق با مقاومت ایمانی مردم روبه رومی شوند و نمی توانند در سد مستحکم ایمان آنان نفوذ کنند. هنگامی که از این راه ناامید شوند سعی می کنند از طریق ایجاد یک قرائت جدید از خدایان دین خدا و کلام اوست تا مگر در شعاع این قرائت جدید بتوانند انحرافی در ایمان مردم ایجاد نموده و آنان را به دنبال خود به انحراف بکشانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۳۴).

۲-۳-۲-تبلیغ:

از راه های دیگر دشمنی کافران با مؤمنان تبلیغ است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ از سوره نحل و آیات ۵۲ از سوره فرقان آن طور که آمده است: (ما می دانیم آنها می گویند این آیات را بشری به او تعلیم می دهد، در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است ولی این (قرآن) زبان عربی آشکار است)؛ (کسانی که ایمان به آیات الهی ندارند خداوند آنها را هدایت نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است)؛ (بنا بر این از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی بنما). این سه آیه شریفه، بر این مطلب اشاره دارد که مشرکان سعی می کنند از طریق تبلیغاتی که بر دین خود انجام می دادند سعی داشتند، برای پیامبر اکرم مشکلاتی را ایجاد کنند تا از این طریق بر اهداف خود دست یابند. که این آیات شریفه، به صراحت به پیامبر این مطلب را متذکر می شود که به حرف ها و

تبلیغات بی مورد آنان گوش فرانده زیرا تو هرچه خواسته‌های آنان را اجابت کنی باز بهانه می‌آورند و سعی می‌کنند دین خودشان را بر تو تحمیل کنند. (ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، صص ۱۰۰-۹۸؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱).

۲-۳-۳-۲-دین زدایی:

از دیگر راه‌های دشمنی مشرکان دین زدایی است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۳۲ از سوره توبه آن طور که آمده است: (آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند!). این آیه شریفه، به یهودیان و مسیحیانی اشاره دارد که تمام توان خود را انجام می‌دادند تا در دین مبین اسلام تغییری را ایجاد کنند ولی خداوند سبحان با فرستادن پیامبران به مقابله با اقدامات نادرست آنان می‌پردازد. (طبری، ۱۴۲۲: ج ۳/ص ۱۱۳).

۲-۳-۳-کفار:

از دیگر دشمنانی که قرآن کریم به صراحت در مورد آنان سخن گفته است «کفار» است. مهمترین راه‌های دشمنی کفار عبارتند از:

۲-۳-۱-گمراهی:

کفار هم گروه دیگری از دشمنان مؤمنان شمرده شده‌اند که از طریق گمراه کردن مردم سعی می‌کنند به دشمنی خود با انسان‌ها بپردازند. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۳۰ از سوره ابراهیم (ع) آن طور که آمده است: (آنها برای خدا همتیانی قرار داده‌اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند بگو: (چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن) بهره‌گیری اما عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است). آیه شریفه به کافرانی اشاره دارد که برای جدا کردن از دین حق با مقاومت ایمانی مردم روبه‌رو می‌شوند و نمی‌توانند از سد مستحکم ایمان آنان نفوذ کنند. هنگامی که از این راه ناامید شوند سعی می‌کنند از طریق ایجاد یک قرائت جدید بتوانند انحرافی در ایمان مردم ایجاد نموده و آنان را به دنبال خود به انحراف بکشانند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۱۱۷/ص ۲۶۹).

۲-۳-۲-مسخره کردن عقاید:

از دیگر راه‌های دشمنی کفار با مسلمانان، مسخره کردن عقاید مسلمانان بود. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۵۶ از سوره کهف آن طور که آمده است: (و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ نابود شود»). آیه به داستان حضرت نوح(ع) اشاره دارد زمانی که کفار زمان وی به نزدش می‌آمدند، او و عقایدش را مورد تمسخر قرار می‌دادند تا با ضعیف کردن روحیه وی و کسانی که به او تمایل پیدا کرده بودند از این طریق به اهداف خود دست یابند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۱۱۷/ص ۲۶۹).

۲-۳-۳-تحقیر:

از دیگر روش های دشمنی کفار با مؤمنان تحقیر کردن است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۵۴ از سوره زخرف ((فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!). آیه بیان می کند هرگاه انسان اعتماد به نفس نداشته باشد و ایمان به خداوند در قلبش رسوخ نکرده باشد، دیگران سعی می کنند عقاید خود را بر وی متحمل کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/ص ۳۲۰). آیه بیان می کند کفار و مستکبران همیشه از این روش بهره برده و سعی می کنند انسان هایی که در سطح پایینی هستند با دادن وعده های دروغین به سمت خود بکشانند تا از این طریق بر مؤمنان تسلط پیدا کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/ص ۳۲۵).

۳- راهکارهای مؤثر در تحقق صلح :

صلح و مدارا از مهمترین راه ها درمقابله با اقدامات نادرست دشمنان است. امام خمینی(ره) در دوران حکومت خود علارغم مشکلاتی که از سوی مخالفان خود با آن روبه رو بودند؛ ولی همواره سعی می کردند به جای آن که با مخالفان و دشمنان خود از در جنگ و نزاع بیرون بیایند، ابتدا با صلح و سازش با آنان برخورد کنند و اگر مخالفان همچنان بر عقاید خود پافشاری کردند آن گاه به جنگ و نزاع با آنان بپردازد. با این حال مهمترین راهبردهای حل منازعه از نگاه ایشان عبارتند از:

۳-۱-الگو پذیری از سیره رفتاری معصومان (علیهم السلام):

یکی از مهمترین اقدامات امام (ره) درتحقق صلح و مدارا الگو پذیری ازسیره رفتاری معصومان(علیهم السلام) است. منظور از الگو حالتی است که فرد هنگام پیروی از غیر خودش کسب می کند.(آراسته خو، ۱۳۷۰:ص ۳۰). نزدیک ترین کلمه به این واژه اسوه است. منظور حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می کند و بر حسب این که پیروی از چه کسی باشد، ممکن است آن فرد برای وی خوب و یا بد باشد.(حجتی، ۱۳۸۵:ص ۸۶). رفتار نیز به معنای مجموعه ای از اعمال و فعالیت هایی است که موجود زنده انجام می دهد و متضمن کارهای آشکار و پنهان و اعمال و فعالیت عقلی باشد. و نیز به معنای عملی که از فرد سر می زند یا سخنی که بر زبان جاری می شود. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵:ص ۵۵). منظور از الگوی رفتاری در سیره معصومان(علیهم السلام)یعنی؛ رفتار های خاصی که هریک از معصومان (علیهم السلام)در مقابل با مخاطبان خود انجام می دادند، زیرا الگوی رفتاری سبب می شود که انسان ها به رفتارهای ناپسند خود پی برده و درصدد اصلاح آن برآیند. (بیرهوف، ۱۳۸۴:ص ۳۰).

قرآن کریم، همواره از پیامبراکرم(ص)وحضرت ابراهیم(ع)به عنوان اسوه و الگو و مقتدای بشر یادکرده است؛آنگونه که آمده است: «قَدْكَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» ؛ (الممتحنه/۴)؛ (همانابرای شما درحالات ابراهیم و کسانی که با او بودندسرمشق خوبی است). آیات شریفه بیان می کند حضرت ابراهیم(ع) به دلیل برائت از شرك و پیامبر اکرم(ص) نیز به دلیل صبرو مقاومتی که در برابر دشمنان انجام دادند از آنان به عنوان الگو و مقتدای بشر یاد کرده

است. (طبرسی، ۱۳۸۲: ج ۸/ص ۵۴۹). ایشان در تصریح به این آیه، حضرت ابراهیم (ع) و پیام های این آیه شریفه را اینگونه بیان می کنند. او وارد بتخانه شد، بتها را شکست و تنها یک بت را که بت بزرگ بود، سالم نگاه داشت، برای این که از همین نقطه بتواند ذهنها را متوجه حقیقت سازد. زمانی که مخالفانش به وی به جهت شکستن بت ها اعتراض کردند. ایشان در خطاب به آنان فرمودند: «از بت بزرگ سؤال کنید. زمانی که آنان متوجه شدند که این بت های بی جان برایشان سودی ندارد در تفکر فرو ماندند، و به تعبیر من با خود گفتند، حقاً که ما مستکبریم.

ایشان در ادامه تصریح می کنند که انسان ها آن قدر بی فکر و غافل باشند که به جای رفتن به سراغ خداوند، قادر، توانا و فرمانبردار به سراغ موجودی که از خودش هم نمی تواند دفاع کند برود. اگرچه این بت چوبی بود، اما دیگر بت های ساخته شده از گوشت، پوست و استخوان نیز همین طورند. هر قدرتمندی که به خدا متکی نباشد و قدرتش از قدرت پروردگار عالم سرچشمه نگرفته باشد، مثل همان بُت است که نمی تواند از خود و از منطق خود دفاع کند. آری همچنان که می بینید مستکبران و قلدران در سرتاسر دنیا چه در سطح بین المللی و چه در کشورهای خودشان زورگویی می کنند تا از این طریق بتوانند عقاید ناصحیح را در فرد محقق سازند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۹۴: ج ۴/ص ۳۰).

ایشان در ادامه بیان می کنند «آیا پیامبر در مقابل سختی ها عقب نشینی کردند؟ آیا حاضر به تسلیم و سازش شدند؟ ماهم کار انبیا و پیامبر (ص) را انجام می دهیم باید بایستیم، باید مقاومت کنیم این را باید دنبال کرد. مردم زمان پیامبر (ص) و اصحاب او مقاومت کردند و از سختیها نهراسیدند تا پیروز شدند ما هم وقتی وارد این کار شدیم و تصمیم گرفتیم که دست بدین عمل بزرگ بزنیم، پیامدهایش را هم باید پذیرا باشیم. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ج ۵/ص ۵۵۸). از این رو الگو پذیری از راه و روش امامان معصوم (ع) یکی از مهمترین تاکتیک های ایشان در تحقق صلح و مدارا با دشمنان بود.

۳-۲-عدالت:

از دیگر روش های (ره) در تحقق صلح و مدارا، عدالت است. در متون دینی معنا و تصویر روشنی از عدالت ارائه شده است. اصل کلمه «عدل» مصدر است. واژه عدل و عدل در معنا به هم نزدیکند هر چند که باهم تفاوت هایی را دارند. یکی از این تفاوت ها در این است که کلمه عدل در چیزهایی به کار می رود که با بصیرت و آگاهی درک می شوند ولی «عدل» و «عدیل» در چیزهایی که با حواس درک می شوند؛ مانند اعداد به کار می رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۳۴). این واژه به معنای کژی، راستی و حد وسط نیز به کار می رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۱۹۸).

در اصطلاح؛ گاهی در معنای اسم معنی قرار می گیرد که مراد از آن مفهومی تصویری که از آن ها در ذهن به وجود می آید، به طوری که در مقابل اسم ذات نیز قرار می گیرد و به مفاهیمی اشاره می کند که مبتنی بر آن می توان یک شی مادی را از طریق حواس درک کرد. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۱۲۳۴). از نظر امام (ره) عدالت یکی از مهم ترین ارزش های در جامعه، اساس پایه مشروعیت و هدف اصلی نظام می دانند. معتقد بودند مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالتخواهی است. این پایه مشروعیت ماست. (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ص ۱۲۳). ایشان در سخنانی دیگر در مورد رعایت انصاف و عدالت در مورد دشمن اینگونه بیان نمودند: (تقوا در مسایل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسایل اجتماعی

و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل تر است. خیلی اثر گذارتر است. ما نسبت به دوستانمان نسبت به دشمنانمان چه می‌گوییم؟ این جا تقوا اثر می‌گذارد، ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد. این تعدی از جاده تقوا است. قول سدید یعنی استوار و درست؛ این جوری حرف بزنیم.

من به جوانان عزیزمان عرض می‌کنم این جور نباشید که مخالفت با یک کسی ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد، به هیچ کس نباید ظلم کرد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ص ۶۷۴). دقت در کلام امام، نشان داد حتی اگر ما با دشمن مخالف باشیم ولی درمقابل با وی باید نهایت عدالت و اخلاق را رعایت کرد. از امام علی (ع) در این باره نقل شده است: عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ درحالیکه بخشش، آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است؛ درحالیکه بخشش، گروه خاصی را شامل می‌شود. (رشاد، ۱۳۶۵: ص ۳۱۰).

سخن امام (ع) درمی‌یابیم که عدالت شریف‌تر و برتر است. استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید: «اجرای عدالت است که می‌تواند جلوی مظالم روحی را سد کند، جلوی حرص‌ها و آزها و طمع‌ها را بگیرد؛ البته عدالت فقط می‌تواند مانع باشد، نه این که آن‌ها را از بیخ و بن برکند؛ اما اگر عدالت نباشد و میدان، میدان زور و غارت و چپاول باشد، آن‌ها که تحت فشار عوامل روحی همچون حرص، آز، طمع، حسد، حقد و کینه هستند، مظالمشان بیشتر تحریک می‌شود و بیشتر تحت فشار قوی این عامل‌ها قرار می‌گیرند، امکان این که به سوی ظلم و جور و ستم کردن و احجاف حقوق دیگران کشیده شوند، بیشتر است.

این هم از بعد فردی است و هم از بعد اجتماعی». (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۴۸۵). حاکمان و سردمداران، ستمگری‌های خود را به نام رفع ظلم و برقراری عدالت اجرا کرده‌اند». (گاستون و ژرژ لوسور، ۱۳۷۷: ص ۷۳). دقت در کلام امام، این مطلب به دست می‌آید که حتی اگر ما با دشمن مخالف باشیم ولی درمقابل با وی باید نهایت عدالت و اخلاق را رعایت کرد.

۳-۳- مصلحت اندیشی:

از دیگر راهبردها اصل مصلحت اندیشی است. مصلحت اندیشی، عبارتی است از فردی که از منطق درستی برخوردار نیست سعی می‌کند به جای آن که با وی به مخالفت بپردازد سکوت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. (جعفری، ۱۳۷۸: ص ۱۲۳). هوشیاری امام (ره) رامی‌توان در رابطه با حجاج بیت الله الحرام اشاره کرد. ایشان حجاج را به مقابله با وهابیونی که تلاش می‌کردند با استفاده از این کنگره عظیم، عقاید و افکار خود را به دیگر مردمان نشان دهند و قصد سیاسی کردن این کنگره عظیم را داشتند می‌فرمودند: «حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است.

حج تنها حرکات و اعمال نیست بلکه حج پیام آور و در بردارنده جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. عرصه‌ای برای نمایش سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ج ۲۱/ص ۵). ایشان همواره بر سیاسی نکردن حج تاکید می‌کردند و معتقد بودند که هدف این کنگره عظیم باید ایجاد وحدت و همدلی میان

مسلمانان و دوری از هرگونه نفاق و درگیری باشد. در اهمیت این مساله خداوند سبحان در آیه ۲۶ از سوره انفال به این موضوع توجه داشته آن طور که آمده است: (و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را برابیند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید!).

این آیه به صراحت وحدت را عامل اقتدار و شوکت امت اسلامی، و تفرقه را عامل ضعف و ناتوانی دانسته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۲۶). اقدام هوشیارانه دیگر ایشان؛ مقابله با قرآن‌های تالیف شده از سوی وهابیان به حجاج کشورهای مختلف در ایام حج اشاره کرد. می‌بینم ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مرم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می‌کند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌های می‌دهد و از اسلام عزیز، قرآن کریم برای هدم اسلام و با استفاده از اعتقادات مردم جریان‌های انحرافی خود را گسترش می‌دهند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۴۵). پیشوایان معصوم نیز بر این مساله توجه داشتند.

امام علی(ع) شاهد پایمال شدن حق خلافت خویش بودند؛ امام(ع) برای جلوگیری از این اختلاف، از حق مسلم خویش چشم پوشید و به ناچار حکمیت ناهلان را پذیرفت. ایشان در نامه ای خطاب به «محمد بن ابی بکر» نوشتند «از کسی ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم چه بسا ضربتی بر آن وارد آید که مصیبت آن بر من سنگین‌تر از مصیبت از دست دادن حاکمیت بر شما باشد. حاکمیتی که چند روز بیشتر دوام نخواهد داشت». (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۰: نامه ۶۲/ص ۳۴).. صلح امام حسن(ع) با «معاویه» را نیز می‌توان نمونه ای دیگر از مصلحت‌اندیشی دانست.

امام(ع) بارها در سخنان خود یاران سپاهش و دیگر مردمان زمان خود را به مبارزه علیه معاویه و اقدامات نادرست او دعوت می‌کردند. اما علارغم تاکیدات این امام بزرگوار ولی مردم عصر وی و حتی یاران سپاهش به هشدارهای امام(ره) توجهی نکردند و تحت تاثیر تبلیغات دروغین معاویه قرار گرفتند دسته به دسته به سپاه او پیوستند. فقط گروه اندکی اطراف امام(ره) باقی مانده بودند در اینچنین شرایطی بود که امام(ع) مصلحت اسلام را در صلح با معاویه دانستند و علارغم میل باطنی با وی از در صلح و دوستی برآمدند. (مفید، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۰).

این امام(ع) بزرگوار بعد از صلح با معاویه بارها درسخرانی‌هایی که انجام می‌دادند انگیزه خویش از صلح با معاویه را اینگونه بیان می‌فرمودند: «معاویه برای تصاحب حقی که از آن من بود بامن به منازع پرداخت، من هم به ناچار آن را به خاطر مصالح امت و جلوگیری از خون‌ریزی رهاساختم. معاویه عنصر فاسدی است و صلاحی ندارد بر مسلمانان زمامداری کند و مردم نیز نباید حاکمیت سیاسی خود را به دست چنین فردی بسپارند. (متقی هندی، بی تا، ص ۱۳۹). در مجموع مصلحت‌اندیشی تدبیری بود که امام در مقابله با اختلافات دشمنان انجام می‌دادند.

از دیگر راهکارها مبارزه از نفوذ شایعات است. نفوذ در لغت؛ به معنای سوراخ کردن و خارج شدن، یا بیرون آمدن سر تیر به طرف دیگر و تمام آن در اندرون بودن است. (شرتونی، ۱۴۱۶: ص ۳۲۰). در اصطلاح؛ منظور اعمالی است که مستقیم یا غیر مستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شوند. (الوانی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۲). نیز به معنای توانایی فرد از تغییر دادن رفتار دیگران بدون داشتن موقعیت رسمی اثرگذاری بر افکار، رفتار، یا عواطف شخص دیگر را نفوذ گویند. (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ص ۶۲۰). در تعریف شایعه تعریف دقیق و مشخص بیان نشده است.

شایعه معانی بسیاری دارد. شاید عام‌ترین تعریف این باشد: شایعه خبر بی‌اساسی است که گوینده آن را برای ترور شخصیت انسان برجسته و آبرومند و یا هر موضوع دلخواه فردی یا اجتماعی در جامعه نشر می‌دهد. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۲۴). در اصطلاح؛ یک موضوع خاص گمانی بدون وجود ملاک‌های اطمینان بخش رسیدگی است، که معمولاً به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد در این تعریف بر یکی از ویژگی‌های خاص و مرکزی شایعه تأکید شده است و آن، اصرار بر این است که شایعه در غیاب ملاک‌های اطمینان بخش رسیدگی، ساخته می‌شود. این محک، وجه تمایز شایعه از اخبار است. (آلیپورت، ۱۳۷۴، ص ۳۰).

شایعات خود به اقسامی تقسیم می‌شود. شایعات آتشین: شایعه‌ای که یکبار شکل می‌گیرد و اثری کوتاه مدت دارد. بیشتر در زمان جنگ نظامی است. شایعات خزنده؛ همراه با تاکتیک‌های قطره چکانی؛ مرحله به مرحله می‌تواند مسیر یک شایعه را در ذهن افراد یک جامعه طراحی کند حادثه ۱۱ سپتامبر نمونه‌ای از این دسته شایعات است. شایعه دلفینی؛ به تناسب زمان آشکار می‌شود و بلافاصله پس از تأثیر گذاری پنهان می‌شود و دوباره ایجاد می‌شود مانند اخبار مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای را می‌توان نام برد. (موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۴، ص ۳۰). در قرآن کریم، واژه‌هایی که به نوعی می‌توانند مفهوم شایعه را افاده کند، به چشم می‌خورد خرس، تقول، و اختلاق اشاره کرد. آیات ۲۰ از سوره زخرف، آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره ذاریات و آیه ۴۴ از سوره حاقه آمده است.

آفت شایعه و قوت و گستردگی آن در شرایط و موقعیت‌های مختلف به طور مستقیم و غیر مستقیم، دام‌نگیر اکثریت قریب به اتفاق و قشرهای مختلف مردم شده، حتی بعضاً اذهان افراد سرآمد، متفکر، اندیشمند و کارگزار جامعه را نیز موقتاً متأثر سازد برجسته‌ترین ویژگی‌های افراد شایعه‌پذیر، ساده لوحی و زود باوری، ناامنی، پرگویی و گزافه‌گویی است. (افروز، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰). از این رو شایعات و اخبار کذب اگر توسط افراد ظاهر چون خوارج صورت گیرد، می‌تواند در مسیر ایجاد شک و تردید و یا بدبینی افراد جامعه قرار گیرد و عامل دنیا طلبی قشر مذهبی تر جامعه یا بی‌بصیرتی آنان شود. در این باره می‌توان به شایعه‌کانالیزه شدن رهبری اشاره کرد.

امام (ره) زمانی که با این شایعه روبه‌رو شدند؛ گفتند که در هر صورت شما آقایان بیدار شوید توجه داشته باشید دشمن‌ها در صدد هستند، زبان‌ها و قلم‌ها در صدد هستند، مردم و ملت را اغفال خواهند کرد بیدار باشید و گول اینها را نخورید، مسائل را درست حل کنید. (موسوی خمینی، ۱۳۲۷: ج ۱۰/صص ۳۱۳-۳۱۳). به جهت اهمیت این مساله وی در دیداری که

با دانش آموزان مدارس تهران انجام دادند بعد از شنیدن سخنان آنان در این باره بیان نمودند: (این طور نیست که من مطلع نباشم. افراد و گروه‌ها مرتب می‌آیند وضع مناطق خودشان را می‌گویند و نامه می‌دهند از این اجتماعات بیرونی و این اجتماعات داخلی و از این مسائلی که شما گفتید من اکثرش را مطلع است. این که می‌گویید روزنامه‌ها را نمی‌دهند، روزنامه‌ها و خلاصه مطالبش پیش خود می‌آید، چکیده اوضاع مملکت از ناحیه ارتش، هم از ناحیه ژاندارمری هم از ناحیه وزارت ارشاد، پیش من می‌آید، بی اطلاع نیستم. این که می‌گویید که نمی‌گذارند به شما برسد، این همان حرفی است که اشخاص غرضمند گفته‌اند. و مع الاسف شما هم با آن ذهن صافتان باور کردید. الان می‌بینید که شما این جا هستید، منتها اکثر کاغذها چیزهایی است که به من ربطی ندارد.

از این روی امام(ره) به صراحت شایعه کانالیزه شدن رهبری انقلاب را رد کردند و پرده از نقشه‌ها و شایعه پراکنی‌های دشمنان برای اغفال مردم برداشتند؛ و بر این نکته تصریح کردند که من بارها به این آقایان عرض می‌کنم که تحت تاثیر اشخاص و گفته‌های اشخاص واقع نشود و اعمال غرض نکنند. بعضی از اشخاص غرضمندند، لکن بعضیها این طور نیستند، کنار نشسته‌اند، هرکس هرچه می‌گوید باورشان می‌آید، و آن وقت هم منتشر می‌کنند. خوب، این خلاف انسانیت و اسلامیت است که انسان هرچه شنید فوراً پخش کند. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ص ۱۲۳).

در این باره می‌توان به امام علی(ع) در شایعه تخریب فرات به دست معاویه اشاره کرد. در جنگ صفین پس از تسخیر راه دسترسی به شریعه فرات، شرایط جنگ به نفع سپاهیان امام تغییر کرد. معاویه نقشه‌ای اندیشید تا شرایط جنگ را به نفع خود تغییر کرد. اردوگاه سربازان امام(ع) در قسمت سرازیری دشت «صفین» و اردوگاه معاویه در قسمت بلندتری قرار داشت. ناگهان خبر دهان به دهان در میان سربازان امام(ع) منتشر شد که معاویه می‌خواهد بند فرات را تخریب کند. همزمان با انتشار این شایعه معاویه برای فریفتن افرادی از یارانش را با دویست نفر کلنگ و بیل و زنبیل به دست، به جانب بند فرات فرستاد تا وانمود کند که قصد تخریب آن را دارد و به این ترتیب برای خبر دروغین خود به قرینه سازی دست زد. امام(ع) که از مکر و حيله معاویه آگاه بود، به سران سپاه خود فرمود: «عاویه قدرت تخریب بند را ندارد بلکه می‌خواهد شما را از این طریق بترساند، جایگاه خود را ترک مکنید و شریعه فرات را مجدداً در اختیار بگیرد. سران سپاه گفتند: اینچنین نیست کار جدی است و هم اکنون گروهی مشغول کندن حفره‌هایی هستند که آب را به سوی ما سرازیر می‌سازند. ایشان فرمودند: «با من مخالفت مکنید. سران سپاه نیز بیان کردند به خدا سوگند که ما کوچ می‌کنیم. اگر شما مایلید که بمانید بمانید. آن گاه همگی اردوگاه را ترک کردند و نقطه بلندتری را انتخاب نمودند». از این روی زمانی که امام دیدند یارانش چندان توجهی به ایشان ندارند و از سوی اندیشیدند که اگر با یارانش به مخالفت بپردازند آتش جنگ را بین خود و یارانش ایجاد می‌کنند؛ از این روی ایشان نیز به ناچار منطقه را ترک کردند. هرچند که پس از آن صدق گفتار امام(ع) آشکار شد. (عسگری، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳). بنابراین وظیفه رهبر جامعه اسلامی است که نسبت به شایعات از آگاهی لازم برخوردار باشد و با تدبیر لازم با شایعات به مبارزه برخیزند.

۳-۵- موعظه و نصیحت:

از دیگر راهکارها موعظه و نصیحت است. واژه «موعظه» از ماده «وَعظ» به معنای منع و بازداشتن از یک عمل از راه ترساندن از عواقب ناخوشایند و دردناک آن آمده است. (زیبیدی، ۱۳۰۷: ص ۴۳۵). در اصطلاح به معنای: ارشاد و راهنمایی به اطاعت از خدا و بازداشتن از معصیت و گناه، خواه از راه بیم دادن و امیدوار کردن یا از راه آگاهی دادن، با از راه دیگر باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۶/ص ۴۵۶).

اهمیت این فضیلت اخلاقی مهم بگونه ای است که خداوند سبحان در آیه از سوره ۱۶ نحل («و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند». در این آیه شریفه، خداوند سبحان در خطاب به پیامبر (ص) خود از ایشان می‌خواهد تا با موعظه ای نیکو و با راهنمایی خالصانه مردم را به دین مبین اسلام دعوت کند. (طبرسی، ۱۳۸۲: ج ۵/ص ۹۸۰). امام (ره) نیز در دوران رهبری خود بر مردم بر این مساله توجه داشتند و معتقد بودند اسلام دین رحمت و رافت و برادری است و در تاریخ آمده است: که در حکومت پیامبر اسلام رحمت و رحمتی بی نظیر که بر آمده از سیره اسلامی ایشان بود حکمفرما بود. امام خمینی (ره) نیز اسوه و آئینه تمام نمای رحمت و مهرورزی بودند و در دوره رهبری عفو و رحمت اسلامی را در کشور متجلی ساختند. ایشان همواره مدافع مظلومان و محرومان در داخل و خارج از کشور بودند و همگان بر این مساله رهنمود می‌کردند.

ایشان همواره مدافع مظلومان و محرومان در داخل و خارج بودند. در عرصه داخلی برای همگان سفارش به خدمت به محرومان را داشتند و در عرصه خارجی همواره حامی و مدافع مظلومان و مستضعفان بودند، همواره بر عدم ایجاب و رعب و وحشت خارج از قانون، برهم زدن آرامش و امنیت خارج از قاعده تاکید داشتند از اموری چون ورود به خانه یا مغازه و محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن‌ها، اهانت ارتکاب اعمال غیر انسانی اسلامی گوش دادن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه، شنود گذاشتن، تجس از گناهان غیر، ... را ممنوع اعلام کردند و در مورد توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام نیز خاطر نشان فرمودند که برخورد با احتیاط کامل و تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستانها و دادگاه‌ها انجام شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۰).

ایشان همچنین خواستار عفو کلیه زندانیان وابسته به گروهکها به استثنای نهد نفر از مرتکبین جرایم جنایی شدند و از مسوولان خواستند تا با مهربانی و برادری با آنها برخورد کرده و با ایجاد تسهیلات شغلی موجب دلگرمی آنان گردند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۹، ص ۱۰۹). ایشان در اقدامی دیگر پس از تسخیر لانه جاسوسی، دستور آزادی گروگان‌های زن و سیاه پوست آمریکایی فرمودند و که این کار امام عملاً نمونه رافت اسلامی در معرض دید جهانیان قرار گرفت. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، صص ۱۲۳). بنابراین امام حتی در عرصه سیاسی نیز آئینه تمام نمای عفو و رحمت اسلامی بودند.

۳-۶- برخورد منطقی با دشمنان:

از دیگر راهکارها - برخورد منطقی با دشمنان است. قرآن کریم، با تاکید بر صبر و پایداری، پیامبر اکرم (ص) را از هرگونه سازش و مدارا با کسانی که از ایمان خدا دوری می کردند نهی می فرمودند. ق رآن کریم در آیه ۱۶ از سوره طه؛ (پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند ، تو را از آن بازدارد که هلاک خواهی شد). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۲۴). همچنین در داستان حضرت موسی (ع) زمانی که وی از خداوند سبحان خواست که برای دعوت قومش به وی صبری عطا کند، تا بتواند قومش را به سوی خداوند دعوت کند. حضرت موسی (ع) نیز علاوه بر مخالفت ها ولی یاران خود را در جهت تحقق وعده های الهی به صبر سفارش می کردند و می گفتند؛ (از خدا یاری بجوید و بر دشواری ها شکیبا باشید که این راه و رسم تقوا پیشگی است. زمینی را که در دست فرعونیان می بینید از آن خداست نه فرعون. خدا آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد به میراث خواهد داد و فرجام نیکو از آن تقوای پیشگان است). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۳۰).

همچنین در آیه ۱۴ از سوره حجرات آمده است: عرب های بادیه نشین گفتند: ما ایمان آوردیم، به آن ها بگو شما ایمان نیاوردید، بلکه بگوئید که اسلام آوردیم و اگر از خدا و رسول وی اطاعت کنید، از اجراء اعمال شما هیچ کاسته نمی شود که خداوند آمرزنده و مهربان است). در زمان پیامبر برخی از این افراد به ظاهر مسلمان، مخالفت و دشمنی خویش را با پیامبر اکرم (ص) در جنگ ها یا در مجالس عمومی اعلام می کردند و گاهی اهانت هایی به ایشان روا می داشتند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۲۰/ص ۱۲۳۴). این گروه برای ایشان مزاحمت هایی را ایجاد می کردند ولی امام (ع) با صبر و بردباری با آنان رفتار می کردند و در خطاب به آنان می فرمودند: «ولا تقا تلکم حتی تبدوونا» تا جنگ را با ما آغاز نکرده اید با شما نمی جنگم). (طبری، ۱۳۷۵: ج ۵/ص ۷۳). اما زمانی که آنان جنگ نهروان را به پا کردند و معتقد بودند که بر اساس آیه شریفه «انّ الحکم الا لله»؛ (حکمرانی و حکومت مخصوص خداوند است)، از این روی پذیرفتن رای حکمین یعنی بی توجهی به قرآن کریم و حاکمیت خداوند متعال است. (دینوری، ۱۳۸۰: ج ۲/ص ۲۲۰).

ایشان معتقد بودند که ما گروهی نبودیم که به کتاب خداوند پشت کرده باشیم اما سخنان و اقدامات ناپسند و دیدگاه های محدود آنان سبب شد که امام به جنگ به آنان پردازد. (حسن، بی تا، ص ۳۰). امام (ره) در دوران رهبری خود بر مردم سعی می کردند قبل از جنگ با دشمنان ابتدا به مذاکره با آنان برخیزند ولی اگر صحبت و سازش تاثیری نداشت، آنگاه از در جنگ و نزاع و عدم رابطه با دشمن برآیند.

ایشان علاوه بر افشاگری های جنایت ها و ماهیت های استکباری، این کشور منحوس همیشه بر عدم وجود امکان مذاکره تا زمان تغییر سیاست های دشمنانه آمریکا و تغییر خوی استکباری شیطان بزرگ تایید نموده است. ایشان معتقد بودند که از برخی از برهه ها دولتمردان امریکایی چراغ سبزهای ظاهری و کم اهمیتی نشان داده اند که موجب فریب برخی عناصر ساده اندیش و ساده لوح در داخل و بلندشدن زمزمه تمایل به رابطه با آمریکا شده است اما وی با افشاگریهایشان علیه سیاست های آمریکا در آن برهه احتمال مذاکره را تا زمان تغییر رویه آمریکا رد کردند و اجازه کوچک ترین سازشی در این زمینه را به کسی ندادند. (موسوی خمینی ۱۳۹۳/۵۰).

ایشان همچنین در برهه های مختلف مذاکره با آمریکا را تا موقع تغییر رویه استکباری دولتمردان و سردمداران آمریکا رد کرده اند و معتقد بودند با دولت اسرائیل نیز نمی توان رابطه برقرار کرد؛ زیرا این دولت استکباری نیز با ما سرسازش ندارد و می خواهد تا آن جا که ممکن است به اهداف استکباری خود در کشور ما دست یابند. از این روی این بزرگوار در رهنمودهایشان مکررا بر جعلی بودن و نامشروع بودن و غاصب بودن دولت صهیونیستی تاکید، و بارها از اسرائیل به عنوان یک دولت جنایت کار سخن گفتند. ایشان در سخنانش بارها از جنایات صهیونیستها در سرزمین عراق و... اشاره کردند. (موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۳۴). در ذیل اقدام امام (ع) شاهد هستیم رهبر فرزانه انقلاب هم همیشه منکر هرگونه رابطه با کشور آمریکا و اسرائیل شدند.

ایشان بارها خطر اسرائیل را برای کلی منطقه یک نوع آسیب دانسته و دولت غاصب صهیونیست را بزرگ ترین خطر برای حال و آینده جان اسلام معرفی نمودند؛ و بارها و بارها از حمایت غرب خصوصا آمریکا از جنایات اسرائیل و سکوت سران کشورهای اسلامی در برابر جنایات صهیونیستها پرده برداشتند و ملتها و دولت های مسلمان را به اتحاد در برابر دولت اسرائیل دعوت کرده اند. ایشان در این راستا راهکار عملی نشان داده و به کشورهای مسلمان پیشنهاد قطع یک ماهه صادرات نفت به اسرائیل را داده اند که اگر عملی می شد خسارات جبران ناپذیری بر پیکره این رژیم وارد می آورد و بدون شک اقتصاد این دولت را فلج می کرد. (خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۳۰).

بنابراین تا آن جا که ممکن است می توان با صحبت کردن و مذاکره با دشمن از درگیری و نزاع خودداری کرد؛ اما در صورتی که دشمن علاوه بر مذاکره از عقیده و نظر خود بر ننگشت در این صورت جنگیدن با دشمن جایز است آن گونه که امام خمینی(ره) نیز در دوران رهبری خود بر مردم بر این مساله توجه داشتند.

نتیجه گیری:

از آن چه تا کنون مورد بحث قرار گرفت نتایج ذیل حاصل است:

۱. امام خمینی(ره) در دوران رهبری خود بر مردم هیچ گاه شروع کننده جنگ نبودند بلکه تا آن جا که در توانشان بود سعی می کردند با مذاکره و گفتگو مخالفان خود را به راه راست دعوت کنند و این شیوه را به مسوولان مملکتی خود نیز خود نیز متذکر می شدند که در مقابل با مخالفان خود ابتدا با مصالحه رفتار کنند و در صورتی که گفتگو و مذاکره تاثیر نداشت آن موقع مبارزه ضروری است
۲. قرآن کریم در سوره حجرات و انفال نشان داد که خداوند متعال صلح و سازش را می خواسته در جامعه برقرار کند اما در برخی از موارد ایجاب می کند که جنگ صورت گیرد.

۳. امام(ره) در تصدی مقام ولایت و رهبری امت اسلامی در عرصه سیاست داخلی و خارجی با شناخت دقیق جریانات و مسائل مختلف داخلی و خارجی ابتکار عمل را به دست گرفته و با ارائه راهبردهایی مانند موعظه، الگوپذیری از سیره امامان معصوم(ع)؛ مصلحت اندیشی؛ مبارزه با نفوذ شایعات و... اشاره کرد. این بزرگوار در طول

عمر مبارک خود با شناخت دقیق جریانات و مسائل مختلف داخلی و خارجی ابتکار عمل را به دست گرفته و دشمنان انقلاب اسلامی را مبهوت و سردرگم می کردند و در مقابله با دشمنان از روش امامان معصوم بالاخص پیامبر و امام علی(ع) اشاره کردند و معتقد بودند این دو بزرگوار علاوه بر مشکلاتی که از سوی دشمنان داخلی و خارجی برای آنان ایجاد می کردند ولی صلح و سازش را وجه کاری خود قرار می دادند.

منابع :

الف)- منابع فارسی و عربی:

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۹۹۰)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم ، بیروت: دار احیاء التراث العربیة، اول

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹)، مناقب آل أبی طالب(ع)، قم: مؤسسه انتشارات علامه، قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد. (۱۴۱۸)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: شیخ خلیل مامون شیخا، بیروت: دارالمعرفة، الطبعة الأولى.

آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۷۸)، غرر الحکم و دُرر الکلم، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: نشر اسلامی، دوم.

افروز، غلامعلی. (۱۳۸۴)، روان شناسی شایعه، رشد، تهران، اول.

آلیپورت، گوردون ویلارد. (۱۳۷۴)، روان شناسی شایعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، اول.

الوانی، سید مهدی. (۱۳۹۵)، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، دوم.

بیرهوف، هانس ورنر. (۱۳۸۴)، رفتارهای «اجتماعی مطلوب: از دیدگاه روانشناسی اجتماعی»، ترجمه: رضوان صدقی نژاد، انتشارات گل آذین، اول

پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۶)، نگرشی بر زندگانی اجتماعی_سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق، اول.

جعفریان، رسول. (۱۳۸۱)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، دوم.

جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۸)، تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام، تنظیم و تلخیص محمد رضا جوادی، تهران، آزادی، اول.

جعفریان، رسول. (۱۳۸۱)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انتشارات انصاریان، دوم

حجتی، محمد باقر. (۱۳۸۵)، «اسلام و تعلیم و تربیت»: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول.

حسنی، هاشم. (۱۳۷۰)، سيرة ائمة اثني عشرية، منشورات الشريف الرضي، قم: ترجمه هاشم حسنی، اميرکبير، اول.

حشمت زاده، محمد باقر. (۱۳۷۷)، مسائل اساسی علم سیاست، تهران: كانون انديشه جوان، اول.

خامنه ای، سيد علی. (۱۳۹۶)، منظومه فکری آيت الله العظمی خامنه ای (نظام بينشی، منشی و کنشی)، عبدالحسين خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامی، اول.

دشتی، محمد. (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، قم: امام عصر (عج)، اول.

دينوری، ابن قتيبه. (۱۳۸۰)، الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، ترجمه: سيد ناصر طباطبای، تهران: ققنوس، اول.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، اول.

رازی، ابوالفتوح حسين بن علی بن محمد بن أحمد. (۱۳۷۱ش)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تحقيق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح. مشهد: بنياد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی. اول

راغب اصفهانی، حسين بن محمد. (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودي، بيروت: دارالعلم و الدار الشامية، اول.

رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵)، دانشنامه امام علی (ع) تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامی: سوم
زبيدي، محمد مرتضى (۱۳۰۷)، تاج العروس من جواهر القاموس، قاهرة: المطبعة الخيرية، الطبعة الأولى.

شاطری، روح الله. (۱۳۹۲)، مسئولیت اخلاقی حکومت دینی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامی، اول.

شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۹)، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، اول.

شرتونی، سعید. (۱۴۱۶)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، تهران، دارالأسوة للطباعة والنشر التابعة لمنظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية، اول.

شعبانی، قاسم. (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و ساختار جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات، چهارم.

صليبا، جميل. (۱۳۶۶)، منوچهره صانعی دره بیدی، فرهنگ نامه فلسفی تهران، حکمت، اول.

طباطبای، سيد محمد حسين. (۱۳۸۹)، الميزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية، الطبعة الثانية.

طباطبای مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۰)، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، اول.

طبرسی، شيخ ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۸۲)، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، تحقيق: شيخ ابوالحسن الشعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، الطبعة الثالثة، اول.

طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تحقيق: سيد أحمد الحسينی، تهران، المكتبة المرتضوية إحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الثالثة.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقيق: احمد حبيب قصیر العاملي، بيروت، دار إحياء التراث العربية.

عسگری، علیرضا. (۱۳۷۴)، تبلیغاتی معاویه در مقابله با حضرت علی و تاثیر آن در بی ثمر ماندن کوشش های اصلی حضرت، تهران، سازمان تبلیغات، اول.

عنایت، حمید. (۱۳۷۷)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، انتشارات زمستان، اول.

فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۱۴)، ترتیب کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح أسعد الطیب، قم، انتشارات أسوه، الطبعة الأولى.

گاستون و ژرژ لوسور، استفان. (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، اول

متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین. (بی تا)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق: الشیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة.

مجلسی، شیخ محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۸۸)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات اسلامیة، اول.

مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۶۹)، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش .

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، اول.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵)، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا: اول

مفید، ابو عبد الله محمد بن نعمان. (۱۴۱۳)، الارشاد، قم، حسنا، اول.

موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۲۷)، کشف الاسرار، تهران: علمیه اسلامیة، چاپ سوم.

..... (۱۳۶۸)، ولایت فقیه حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، اول)

..... (۱۳۸۹)، صحیفه امام (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، اول .

مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۹۳)، «کارکرد ولایت فقیه نظام سازی، طرح و تثبیت ولایت فقیه (۱)»، اول

..... (۱۳۹۴)، کارکرد ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی (۲): احیاء و تبیین باورهای ناب توحیدی، تهران: مؤسسه

فرهنگی قدر ولایت، اول.

..... (۱۳۹۳)، خودباوری و اعتماد به نفس ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، اول.

۲. منقری، ابو الفضل نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲)، واقعه صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، موسسه العربیة الحدیثة.

هادوی نیا، مهدی. (۱۳۸۳)، «مکتب و نظام اقتصادی در اسلام»، قم، مؤسسه فرهنگی خرد، اول.

هندی، میرحامد حسین بن محمد. (بی تا)، خلاصه عبقات الأنوار فی امامة الأئمة الأطهار، تحقیق: علی میلانی، قم: خیام، اول